



Biannual Scientific Journal of *Avicennian Philosophy*  
Vol. 28, No. 71, Spring and Summer 2024, *Research Article*

## Avicenna on Melancholy and its Treatment: A Philosophical Approach

Mahmud saidiy<sup>1</sup>, Hossein Zamaniha<sup>2</sup>

DOI: 10.30497/ap.2024.245891.1668



### Abstract

The question of the relationship between the rational soul and the body, and the mediating role of the vaporous soul, has led to the formation of many philosophical discussions in this area. One of these cases is the causes and symptoms of mental illnesses, such as melancholic depression, which, from Avicenna's perspective, the most important reason for its occurrence and the most effective method of treatment should be sought in the relationship between the rational soul and the body. Melancholic depression means the deviation of human thoughts and mental images from the correct path, in which case the correspondence of cognitive concepts with the external world is disrupted, and therefore the person is immersed in their own incorrect thoughts and beliefs. This mental illness has different levels, and in its most severe form, mania, the patient's perceptions are greatly deviated from the real world, they constantly think about the dead, and may consider themselves dead. From Avicenna's point of view, the main cause of this disease should be sought in the weakness of the vaporous soul, which weakens the connection between the soul and the body. The root of this weakness is also the predominance of the melancholic temperament in the brain, which disrupts the function of the vaporous soul as the link between the soul and the body. Overall, Avicenna's approach to melancholic depression shows his comprehensive approach to mental disorders, an approach that is rooted both in his philosophical foundations and in empirical evidence and studies.

**Keywords:** Avicenna, depression, melancholy, practical forms

---

1. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author).  
m.saidiy@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy, Shahed University, Tehran, Iran.  
zamaniha@gmail.com

## مالیخولیا و شیوه درمان آن از دیدگاه ابن سینا (روی کردی فلسفی)

محمود صیدی<sup>۱</sup>

حسین زمانیا<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

### چکیده

مسئله رابطه نفس ناطقه با بدن و واسطه بودن روح بخاری، به شکل گیری مباحث فلسفی فراوانی در این زمینه منجر شده است. یکی از این موارد علل و نشانه های بیماری های روانی، مانند افسردگی مالیخولیایی است که از دیدگاه ابن سینا مهم ترین دلیل به وجود آمدن آن و مؤثرترین شیوه درمان آن را باید در رابطه نفس ناطقه با بدن جست و جو نمود. افسردگی مالیخولیا به معنای انحراف افکار و صورت های ذهنی انسانی از مسیر صحیح است که در این حالت انطباق مفاهیم علمی با خارج مختل می شود و لذا شخص در افکار و پندارهای نادرست خود غرق می گردد. این بیماری روانی دارای مراتب مختلفی است که در شدیدترین حالت آن، یعنی مانیا، ادراکات فرد بیمار تا حد زیادی از عالم واقعیت منحرف می گردد، دائماً به مردگان می اندیشد و ممکن است خود را فوت شده تلقی نماید. از نظر ابن سینا علت اصلی این بیماری را باید در ضعف روح بخاری جستجو کرد که این ضعف موجب ضعف ارتباط نفس با بدن می شود. ریشه این ضعف نیز غلبه مزاج سودائی در مغز است که باعث اختلال در عملکرد روح بخاری به عنوان رابط نفس و بدن می شود. در مجموع نحوه مواجهه ابن سینا با افسردگی مالیخولیا نشان دهنده رویکرد جامع وی در مواجهه با اختلالات روانی است. رویکردی که هم در مبانی فلسفی وی و هم شواهد و مطالعات تجربی ریشه دارد.

**واژگان کلیدی:** ابن سینا، افسردگی، مالیخولیا، صورت های عملی.

۱. دانشیار گروه حکمت و فلسفه دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول). m.saidiy@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حکمت و فلسفه دانشگاه شاهد، تهران، ایران. zamania@gmail.com

## مقدمه

در تاریخ فلسفه راجع به رابطه نفس ناطقه با بدن جسمانی فراوان بحث و بررسی شده است. طبق دلایل و براهین تجرد نفس ناطقه، نفس جوهری مجرد از ماده است که افعال خود را به واسطه بدن مادی انجام می دهد؛ بنابراین انسان موجودی است که مرتبه عالی او نفس ناطقه مجرد از ماده و مرتبه نازلش، بدن مادی است.

بانظریه رابطه نفس ناطقه با بدن جسمانی، درمی یابیم که هر دو بر یکدیگر و بر حالات هم اثرگذارند؛ مثلاً در صورت آسیب دیدن عضوی جسمانی، شخص تألم و درد را ادراک می کند؛ همان گونه که شادی یا غم نفسانی اثرات خاص خود را بر بدن می گذارد؛ مثلاً با شادن گشتن فرد رنگ صورت او بشاش می گردد.

بستگی به نوع آسیب های جسمانی، اختلال مختص آن در نفس ناطقه ایجاد می گردد؛ همان گونه که اختلال در کارکرد تدبیری نفس ناطقه با بدن جسمانی به اختلالاتی در حقیقت انسانی منجر می گردد. بانظریه اینکه روح بخاری واسطه میان نفس ناطقه و بدن مادی است و نفس ناطقه به واسطه آن بدن مادی را تدبیر می نماید، هرگونه ضعف، نقصان یا اختلال در روح بخاری منجر به اختلال در کارکرد تدبیری نفس ناطقه با بدن و لزوماً به وجود آمدن برخی بیماری ها می گردد.

طبق مبانی ابن سینا علل به وجود آمدن، نشانه ها و راهکار درمانی بیماری های روانی مانند خواب های پریشان، افسردگی، وسواس و... را باید در رابطه نفس ناطقه با بدن جست و جو نمود. به نظر می آید که ابن سینا مهم ترین متفکر مسلمانی است که طبق رویکرد طبّ و مبانی الهیات اسلامی، مانند تجرد نفس ناطقه، برخی از بیماری های روانی را تحلیل کرده است؛ البته مباحث سینوی در این زمینه در میان متفکران سابق دارای چنین تفصیلی نیست. فیلسوفان و حتی طبیبان بعد از ابن سینا نیز مباحثی جدی و مفصل در این زمینه ندارند.

افسردگی مالیخولیا یکی از مهم ترین بیماری های روانی است که در کتب فلسفی و طبی ابن سینا بررسی شده است. در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل علل و نشانه های این افسردگی طبق مبانی فلسفی ابن سینا، به ویژه در پرتو رابطه نفس ناطقه با بدن،

پرداخته شده است. بانظر به روی کرد فلسفی پژوهش حاضر، از پرداختن به مباحث طبی اجتناب و در صورت لزوم صرفاً به صورت گذرا به آن‌ها اشاره شده است.<sup>۱</sup>

### تعریف افسردگی مالیخولیائی

مالیخولیا<sup>۲</sup> یا افسردگی مالیخولیایی نوعی بیماری روانی است که در تاریخ بشر سابقه‌ای طولانی دارد. تقریباً از سه هزار سال پیش شواهدی مکتوب در مورد این بیماری وجود دارد. در منابع کهن معمولاً از این بیماری با نام نوعی جنون که ریشه در علل جسمانی دارد، یاد شده است (Taylor & Fink, 2006, p. 2). بقراط در قرن پنجم قبل از میلاد در آثار خود به این بیماری اشاره کرده و آن را به عنوان نوعی بیماری توصیف کرده که همراه با غم و اندوه دائمی و افکار وحشتناک و بیمارگونه است که منشأ آن اختلال در عملکرد مغز است. این اختلال در اثر غلبه سودا یا زهره سیاه در مغز ایجاد می‌شود. پس از بقراط، جالینوس و آراتوس<sup>۳</sup> نیز، به عنوان دو تن از برجسته‌ترین طبیبان دنیای باستان، ضمن اشاره به بیماری مالیخولیا، ریشه آن را در مشکلات پیش آمده در مغز می‌دانند. آراتوس در یک مشاهده بالینی بیماران مبتلا به مالیخولیا را چنین توصیف می‌کند: در اکثر آن‌ها نوعی خشم یا اندوه صرف یا پژمردگی و بی‌رمقی ذهنی مشاهده می‌شود. آن‌ها اغلب به دیگران مشکوک اند و از اینکه به وسیله دیگران مسموم شوند، در هراس اند و از دست انسان‌های دیگر به بیابان می‌گریزند (Taylor & Fink, 2006, p. 2).

در قرن چهارم هجری اخوینی بخاری، یکی از طبیبان برجسته مسلمان و نویسنده کتاب «هدایه المتعلمین فی الطب»، به تبع پیشینیان بیماری مالیخولیا را به عنوان بیماری مزمنی که ناشی از غلبه سودا در مغز است توصیف می‌کند (اخوینی بخاری، ۱۳۷۱، ص. ۳۴۲).

امروزه در متون علمی ضمن پایبندی به برخی عناصر تعریف بقراطی، تعریف دقیق‌تری از این بیماری ارائه می‌شود. براساس این تعریف مالیخولیا یک اختلال تکرارشونده،

---

۱. «مالیخولیا» واژه‌ای یونانی است که از ترکیب دو واژه «Melas» به معنی «سیاه» و «Khole» به معنی «زهره» تشکیل شده است؛ لذا مالیخولیا در لغت به معنی «زهره سیاه» یا همان سودا است که به دیدگاه طب سنتی در مورد ریشه این بیماری اشاره دارد. طی نهضت ترجمه کتب فلسفی و طبی وارد زبان عربی شده و به دلیل کثرت استعمال، واژگانشان معرب شده‌اند؛ از این روی ابن سینا نیز معادلی عربی برای این واژه بیان نمی‌دارد و خود آن را استعمال می‌نماید.

2. Melancholia

3. Arateus

ناتوان‌کننده و فراگیر در مغز است که باعث تغییر (تضعیف) حالات، کارکردهای حرکتی، تفکر، شناخت و ادراک و بسیاری از فرایندهای فیزیولوژیک پایه در فرد بیمار می‌شود (Taylor & Fink, 2006, p. 2). از اواسط دهه هفتاد میلادی این بیماری از سوی برخی روان‌شناسان به‌عنوان یکی از انواع اختلالات روان‌شناختی پذیرفته‌شد و در دسته‌بندی انواع افسردگی جای‌گرفت (Taylor & Fink, 2006, p. 7-9)؛ لذا در اکثر متون جدید از آن با نام «افسردگی مالیخولیایی» یاد می‌شود؛ به‌همین دلیل در مقاله حاضر در برخی موارد از این واژه، یعنی «افسردگی مالیخولیایی» استفاده شده‌است.

ابن سینا (۲۰۰۵) بیماری روانی مالیخولیا را چنین تعریف می‌نماید: «يقال مالنخوليا لتغير الظنون والفكر عن المجرى الطبيعي إلى الفساد وإلى الخوف والرداءه ...» (ج ۲، ص. ۲۷۷).<sup>۱</sup> طبق این تعریف مالیخولیا هنگامی اتفاق می‌افتد که ظنون و افکار انسانی از مجرای طبیعی خود خارج‌شود و به تباهی، ترس و پستی [یا نادرستی] بیانجامد؛ بنابراین اساس بیماری مالیخولیا شامل افکار و تصورات شخص در قوای خیال و حس مشترک است و لذا یک بیماری نفسانی است که مانند سایر حالات نفسانی، تأثیرات جسمانی و مادی نیز دارد. افکار و تخیلات انسان در حالت طبیعی به‌گونه‌ای است که در موقعیت‌های مختلف واکنش‌های متناسب دارد؛ به‌نحوی که در جایگاه مناسب خود خوشحال، ناراحت، خشمناک، مهربان و... می‌گردد. اگر افکار یا تخیلات انسانی از مجرای طبیعی‌اش خارج‌شود، شخص دچار مالیخولیا می‌شود. خارج‌شدن از مجرای طبیعی به‌سوی غلبه افکار و ظنون ترسناک، نادرست و پست و تباه مالیخولیا است.

نفس ناطقه و بدن بر یکدیگر تأثیراتی دارند. همان‌گونه که افکار نفسانی در احوال بدنی مؤثر است، سلامت یا بیماری بدن نیز در افکار و حالات نفسانی اثر می‌گذارد؛ به‌این جهت ابن سینا دلایل طبی و جسمانی مؤثر در بیماری مالیخولیا را بیان می‌دارد. دلیل طبی این

---

۱. ابن سینا (۱۹۵۳) می‌گوید: «اگر آفت در جزء وسط مغز وارد شود، ولی باقی اجزاء دماغ صحیح و سالم باشد، تفکر و تمایز دادن صورت‌های علمی فاسد می‌گردد و مالیخولیا عارض می‌شود.» (ج ۲، ص. ۸۸). ابن سینا (۱۴۱۷) قوه خیال و صورت‌های خیالی را مادی می‌داند (ص. ۲۵۸-۲۵۹)؛ بنابراین از دیدگاه او آسیب‌دیدن بخش‌هایی از مغز به عدم امکان تصورات صحیح ذهنی منجر می‌گردد؛ حتی اگر قوه خیال مجرد از ماده باشد، به‌دلیل علت معد بودن قوای مادی در تصورات خیالی انسان، آسیب‌دیدن یا آفت در بخشی از قوای دماغی به عدم امکان تصورات صحیح ذهنی منجر می‌گردد.

بیماری آن است که مزاج سودائی روح بخاری موجود در دماغ را به وحشت می‌اندازد و ظلمت را بر آن مستولی می‌کند (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۷۷)؛ زیرا طبق دیدگاه ابن سینا صورت‌های علمی محسوس و خیالی از خارج به حس مشترک وارد می‌گردد (ابن سینا، ۱۴۱۷، ص. ۲۲۷)؛ لذا در صورت غلبه ظلمت و تاریکی بر بخشی از مغز، افکار انسانی به نادرستی می‌گراید.

هرچند مباحث مزاج و روح بخاری مربوط به طبّ و طبعیات قدیم بوده و در پزشکی جدید منسوخ شده‌است، تأثیر حالات بدنی بر نفس ناطقه انکارشده نیست. در واقع می‌توان گفت در مالیخولیا بدن به گونه‌ای است که افکار نادرست و وحشت‌آور بر نفس ناطقه غلبه می‌نماید. بیمار مبتلا به آن مانند کسی که ساعت‌ها در بیابان کاملاً تاریک و بسیار سردی است، افکار وحشت‌آور بر او غلبه می‌نماید و حالت ترس و اندوه بر او غالب می‌گردد؛ به گونه‌ای که از هر صدای کوچکی نیز دچار توهم می‌شود و مثلاً حمله حیوانات وحشی به خود را توهم می‌نماید.

هرچند ابن سینا در تعریف مالیخولیا فقط انحراف افکار به فساد، تباهی و ترس را می‌آورد، هرگونه انحرافی از افکار صحیح از مصادیق این بیماری است؛ مثلاً اینکه فردی برخی اوقات شادی بیش از حدّ و غیرطبیعی داشته‌باشد نیز گونه‌ای از مالیخولیا به نام «مانیا» است که در ادامه خواهد آمد. نتیجه اینکه مالیخولیا هرگونه انحراف شدید از تناسب افکار و تطابق آن‌ها با خارج است.

افسردگی مالیخولیا از دیدگاه ابن سینا به دو قسمت خفیف و شدید تقسیم می‌شود که در ادامه به بررسی نشانه‌های هر یک پرداخته می‌شود.

#### **نشانه‌های افسردگی مالیخولیایی خفیف**

نظر ابن سینا راجع به علائم و نشانه‌های افسردگی مالیخولیایی خفیف را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد:

[۱] توهمات و ظنون بی‌مورد (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ شخص دچار افسردگی مالیخولیا در اوایل بیماری گمان‌هایی بسیار غیرواقعی نسبت به موضوعات، اشخاص و اموری دارد که احتمال نادرستی آن‌ها بسیار است؛ مثلاً چنین فردی تصور می‌کند که یکی از

نزدیکان درصدد قتل یا آسیب رساندن به اوست؛ یا افرادی همواره درصدد توطئه علیه اموال یا آبرو اویند.

[۲] ترسیدن بدون هیچ دلیل و سبب خاصی (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ ترس، اندوه شدید و اختلاط افکار نفسانی به دلیل تصور و تخیلی شر است که ممکن است روی دهد و به شخص ضرر برساند (ابن سینا، ۱۴۰۵، ج ۴، ص. ۱۳۸). شخص دچار افسردگی مالیخولیا ترس و اندوه بسیاری درمورد امور و موضوعات مختلف دارد که همه آنها بدون هیچ دلیل و سببی است؛ مثلاً از دزدیده شدن اموال خود توسط دزدان، حمله حیوانات وحشی و دچار بیماری خطرناک شدن ترس دارد.

[۳] خشم و غضب سریع (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ شهوت قوه‌ای است که انسان به وسیله آن جلب منافع می‌کند و درمقابل آن، قوه غضب وجود دارد که ضرر را از انسان دفع می‌نماید؛ از این جهت قوه غضبیه اشتیاق شدیدی به انتقام‌گیری دارد و فعل آن ابتدائاً با تصور نمودن فعل مورد نظر، سپس شوق یافتن نسبت به انجام آن و در نهایت تصمیم‌گیری نسبت به انجام آن فعل اتمام می‌یابد (ابن سینا، ۱۳۶۳، ص. ۹۳). غضب حالتی است که به واسطه تعلق به بدن، به نفس ناطقه عارض می‌گردد (ابن سینا، ۱۴۱۷، ص. ۲۷۱) تا به دفع ضرر از انسان پردازد. در این هنگام توجه نفس ناطقه کاملاً به موضوع مورد غضب و دفع آن معطوف می‌گردد (ابن سینا، ۲۰۰۷، ص. ۹۵). همچنین نفس ناطقه در حالت غضب، از ملکه توسط در اخلاقیات خارج می‌شود و به افراط و روی می‌آورد که جهت تفریط آن، جبن و ترسوئی قرار دارد. اگر فردی سریعاً غضبناک و در آن دچار افراط گردد، قوای بدنی و جسمانی بسیار او منفعل می‌گردد (ابن سینا، ۱۴۰۵، ج ۴، ص. ۱۵۷). اینکه شخص مبتلا به افسردگی مالیخولیا به‌طور سریع خشمناک و عصبانی می‌گردد، نشان‌دهنده نبود ارتباط صحیح میان نفس ناطقه و بدن است؛ زیرا که نفس ناطقه با بدن در حالت توسط رابطه‌ای صحیح، منظم و منطقی دارد؛ ولی در حالت افراط چنین رابطه منظمی مختل می‌شود.

[۴] گوشه‌گیری (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ گوشه‌گیری در علم اخلاق به معنای آن است که انسان امور محبوب و دوست‌داشتی خود، مانند مال و جایگاه را ترک نماید (صلیبا، ۱۴۱۴، ص. ۲۶۰). تأکید گردید که در بیمار مبتلا به مالیخولیا رابطه منظم و منطقی

نفس ناطقه با بدن، به دلیل غلبه تصورات و صورت‌های ذهنی مختل شده است؛ به همین دلیل چنین شخصی از سایر انسان‌ها و امور محبوب و دوست‌داشتنی کناره‌گیری می‌نماید؛ مثلاً چنین افرادی به ازدواج و تشکیل خانواده تمایلی ندارند؛ از خوردن غذا، هرچند لذیذ، مگر در موارد ضرورت امتناع می‌نمایند. حال آنکه در رابطه منظم و منطقی میان نفس ناطقه با بدن، شخص نیازهای ضروری خود را به‌جامی آورد و به‌گونه متعادل با دیگران معاشرت دارد.

[5] حالات نامتعادل غم یا شادی؛ بیان‌گردید که در مالیخولیا افکار از مسیر صحیح خود منحرف و شخص در تصورات خود غوطه‌ور می‌شود. در این هنگام ارتباط ادراکات حسی او با جهان خارج محسوس دچار اختلال شدید می‌شود؛ یعنی تصورات ذهنی شخص منطبق با حقیقت و واقعیت نیست. اگر صورت‌های خیالی که شخص در قوه خیال و یا حس مشترک دارد، شادی‌آور باشد— مثلاً دائماً خاطره‌ای شیرین از گذشته به یادیاورد— حالت خنده و شادمانی غیرمعمول بر او غلبه می‌کند. اگر تصورات و صورت‌های ذهنی او غمناک و ناراحت‌کننده باشند، حالت اندوه بر شخص غلبه می‌نماید (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰). این حالت افسردگی مالیخولیا در برخی موقعیت‌های خاص خودش را به خوبی نشان می‌دهد؛ مثلاً در مراسم سوگواری یکی از افراد بسیار نزدیک، شادمانی غیرمعمولی از خود نشان می‌دهد.

ابن‌سینا نشانه‌های نخستین دیگری را نیز برای این بیماری برمی‌شمارد؛ مانند صدا از اندام شخص، به‌ویژه در شکم (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰). بانظربه طبی بودن این‌گونه نشانه‌ها و نفسانی نبودنشان، از بررسی و تحلیل فلسفی آن‌ها خودداری می‌گردد؛ باوجوداین می‌توان گفت که چنین افرادی به دلیل غوطه‌ور شدن در تصورات و تخیلات ذهنی و خیالی، بدنی نحیف و لاغر و رنگی پریده دارند؛ زیرا که نفس ناطقه از تدبیر صحیح بدن عاجز شده و توجه‌اش مصروف صورت‌های ذهنی خود است.

همان‌گونه که مشخص است، تمامی مواردی که ابن‌سینا از علائم و نشانه‌های ابتدائی افسردگی مالیخولیا برمی‌شمارد، ناشی از سست‌شدن رابطه منظم و تعلق میان نفس ناطقه و بدن و معطوف شدن تمامی توجه و ادراکات نفس ناطقه به صورت‌های ذهنی و خیالی خود است. این حالت دقیقاً مانند آن است که کسی به دلیل توجه بسیار زیاد به امری، مثلاً



بازی شطرنج یا تمرکز زیاد در مطالعه، از نیازهای جسمانی خود مانند تشنگی و گرسنگی غفلت نماید.

### نشانه‌های افسردگی مالیخولیایی شدید

از دیدگاه ابن سینا هنگامی که افسردگی مالیخولیا در فرد شدید می‌شود و استحکام می‌یابد، علائم و نشانه‌های ذیل را دارد:

[۱] کناره‌گیری از انسان‌ها و سوءظن شدید نسبت به افراد (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ فرد بیمار مبتلا به مالیخولیای شدید از مردم دوری می‌گزیند؛ ولی این دوری‌گزینی صرفاً به جهت خلوت‌نشینی نیست؛ بلکه فرد در این حالت ترس شدیدی از امری دارد که ممکن است به او آسیب‌بزند. همچنین این حالت همراه با غم و اندوه فراوان نیز هست (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ به این جهت حالات غم و اندوه از یک سوی و ترس شدید از سوی دیگر، منجر به عزلت و کناره‌گیری فرد از اجتماع می‌گردد. شایان توجه است که حالات موردبررسی در این قسم، یعنی غم زیاد و اندوه شدید، ممکن است بدون هیچ‌گونه دلیل موجهی باشد. مهم‌ترین دلیل کناره‌گیری از انسان‌ها سوءظن شدید و تصورات نادرست بیمار نسبت به افراد پیرامون خود است؛ دقیقاً مانند فردی که از حیوانات وحشی و درنده‌خو فرار می‌نماید.

[۲] هذیان‌گوئی (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ هذیان یا پریشان‌گویی یک نابسامانی موقت یا دائمی ادراکی است که با سایر اختلالات ادراکی در تعدد، تنوع و تکرار صورت‌های ذهنی گوناگون در حس مشترک و قوه خیال وجود دارد (ابن سینا، ۱۴۰۵، ج ۱، ص. ۱۰۱). به دلیل تکرار و اختلاط صورت‌های ذهنی در قوای خیال و حس مشترک، این بیماری به زوال ادراکات صحیح ذهنی منجر می‌گردد و همچنین صورت‌های علمی غیرواقعی به‌گونه حقیقی و واقعی ادراک می‌گردد (واقعی و حقیقی پنداشتن امری نادرست و موهوم). در این هنگام ممکن است فرد افعالی خشن و عجیب انجام دهد. همان‌گونه که مشخص است، هذیان اختلالی ادراکی است. ویژگی‌های برشمرده‌شده برای این اختلال از نشانه‌های افسردگی مالیخولیا است.

[۳] ترس‌های گوناگون از امور مختلف (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ بیان‌گردید که ترس به دلیل تصور و تخیلی شری است که احتمال دارد روی دهد و به شخص ضرری

برساند (ابن سینا، ۱۴۰۵، ج ۴، ص. ۱۳۸). شخص مبتلا به افسردگی مالیخولیا از امور مختلف شدیداً می‌ترسد که اصناف این قسم محدود نیست و موضوعات مختلفی را دربرمی‌گیرد؛ مثلاً ترس از وقایعی که در گذشته اتفاق افتاده یا ترس از اموری که هیچ‌گاه برای شخص اتفاق نیفتاده‌است؛ ترس از افتادن از بلندی، ترس از اینکه زمین شخص را ببلعد و او در زمین فرورود، ترس از جن، پادشاه و حاکم، دزد، حیوانات وحشی و... . بیشتر موارد ترس مالیخولیایی از اموری است که هیچ‌گاه اتفاق نمی‌افتند و در این موارد ترس بر شخص غلبه دارد (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰).

[۴] تخیل و تصور اموری که وجود خارجی ندارند (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ هنگامی که رابطه نفس ناطقه با بدن و قوای حسی او منظم و منطقی است، شخص امور خارجی را به‌گونه‌ای صحیح ادراک می‌نماید. هرچند امور غیرواقعی را نیز تصور و تخیل می‌کند، آگاه است که وجود خارجی ندارند. هنگامی که این رابطه منظم منطقی برهم‌خورد، شخص امور غیرواقعی را حقیقی و واقعی می‌پندارد که این یکی از علائم افسردگی مالیخولیا است.

[۵] پندارهای نادرست از شخصیت وجودی خود (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ شخص دچار مالیخولیا از خود ادراکات و تصوراتی بسیار ناصحیح و نامنتطب با واقعیت دارد؛ مثلاً خود را پادشاه، حیوان وحشی، پرنده، شیطان و حتی جماداتی مانند آلات صناعی مثل میز، صندلی و... می‌پندارد.

[۶] وسواس دائمی (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ «وسواس» از «وسوسه» می‌آید (ابن سینا، ۱۳۸۳، ص. ۶۲) و معنایش حدیث نفس یا سخن گفتن با خود یا تخیلات نفسانی است که از قوه متخیله پدیدار می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۰، ص. ۳۳۴). به این نظر افراط و زیاده‌روی در تخیلات و تصورات خیالی از نشانه‌های بیماری مالیخولیا است (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰) که رابطه تنگاتنگی با وسوسه دارد؛ زیرا که هر یک از این دو ممکن است به دیگری منجر شود و هر دو از افعال قوه متخیله اند. وسوسه داشتن به ادراکات مکرر از یک یا چند موضوع خاص منجر می‌گردد و این تصور در شخص پدید می‌آید که باید همه آن‌ها را در خارج انجام دهد؛ مثلاً فردی که دائماً شستن دستان خود را به دلیل ناپاکی تصور می‌کند و دائماً آن‌ها را می‌شوید.

[۷] نگاه کردن دائمی به یک شیء (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ در حالت عادی نفس ناطقه افعال طبیعی خود را انجام می‌دهد و لذا حواس پنج‌گانه نیز ادراکات خود را دارند. از این جهت مُدرکات هر یک از قوای حسی، توجه نفس ناطقه را به خود جلب می‌نماید. زیرا که ادراک‌کننده حقیقی نفس ناطقه است؛ بنابراین نگاه کردن دائمی به یک شیء حالتی غیرطبیعی برای نفس ناطقه است و به معنای غفلت نمودن از ادراکات سایر قوای حسی است. این حالت غیرطبیعی ناشی از اختلال ادراکی نفس ناطقه است و از بیماری افسردگی مالیخولیا نشأت می‌گیرد.

طبق دیدگاه ابن سینا اگر مالیخولیا درمان نشود و شدت یابد، به بیماری «مانیا» تبدیل می‌شود (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۷۸)؛ از این جهت می‌توان بروز این عوامل یا برخی از آنها را نشانه‌های آغاز بیماری مانیا در شخص دانست که در ادامه خواهد آمد.

#### **دلایل روی دادن افسردگی مالیخولیا**

برخی از دلایل و عوامل روی دادن بیماری مالیخولیا جسمانی و برخی دیگر غیر جسمانی اند: [۱] سرد و خشک گشتن مزاج مغز انسانی؛ ابن سینا در مبتلا شدن افسردگی مالیخولیا دلایل مادی و طبیعی فراوانی را دخیل می‌داند که مهم‌ترین آنها سرد و خشک بودن مزاج دماغ یا مغز انسانی است. روح بخاری مزاجی گرم و مرطوب دارد؛ لذا خشک و سرد بودن مزاج دماغ منجر به اختلال در ادراکات نفسانی می‌گردد و افسردگی مالیخولیا عارض می‌شود (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۷۸)؛ البته ابن سینا برخی از بیماری‌های شدید جسمانی، مانند بیماری قلبی یا مغزی را نیز علت مالیخولیا یا مؤثر در آن می‌داند. در این حالت بیمار نزدیک به مرگ می‌شود و تصورات او غالباً راجع به مرگ و مردگان است (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۷۹)؛ مثلاً دائماً نزدیکان یا افراد فوت‌شده را بهیاد می‌آورد یا خود را در زمان زنده بودن آنان می‌پندارد یا اینکه خود را فوت‌شده می‌پندارد.

از دیدگاه ابن سینا قوای خیال و وهم و همچنین ادراکات آنها هادی است و محل قرارگرفتن آنها نیز در مغز انسان است. همچنین بدون قوای جسمانی ادراکات حسی حاصل نمی‌شود؛ بنابراین اختلال در قوای جسمانی ادراکی، منجر به نامنظم بودن و خروج از مجرای طبیعی افکار و تخیلات می‌گردد و افسردگی مالیخولیا عارض می‌شود.

[۲] ضعیف شدن روح بخاری (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۷۸)؛ نفس ناطقه موجودی مجرد و لطیف است؛ از این جهت بی واسطه به بدن مادی تعلق نمی‌گیرد و روح بخاری واسطه میان نفس ناطقه و بدن مادی است. تغییر حالات روح به اختلالات گوناگونی در بدن انسان یا حالا نفسانی او منجر می‌گردد. ضعیف شدن روح بخاری منجر به ضعیف شدن رابطه تعلقی نفس ناطقه با بدن می‌شود و لذا افکار از مسیر صحیح خود خارج می‌شود. به بیان دیگر نفس ناطقه در این هنگام رابطه احاطی خود را بر بدن ندارد.

[۳] شاد یا غمناک بودن افراطی (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۷۹)؛ شادی و غم از کیفیاتی اند که بی‌واسطه بر نفس انسانی عارض می‌شوند و هر انسانی در مقام ذات خود عروض این امور را بدهاقتاً ادراک می‌کند. هر انسان سالم و معمولی لحظاتی در زندگی خود شادمان است و لحظات دیگری غمناک؛ زیرا که اتفاقات مختلف سبب عروض حالات گوناگون بر انسان می‌شوند. اگر شادی یا غم از حالت متعادل خود خارج شود، به غلبه افسردگی مالیخولیائی بر انسان منجر می‌شود. در این هنگام نفس ناطقه رابطه استیلائی بر بدن ندارد و افکار منحرف بر انسان غلبه می‌نماید.

[۴] تأثیر اتفاقاتی که در گذشته افتاده‌اند (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰)؛ برای بسیاری از انسان‌ها در زندگی روزمره اتفاقاتی روی می‌دهد که بر زندگی فرد تأثیرات بسیاری می‌گذارد. در این زمینه اتفاقات ناگوار مثال بارزی است. مثلاً فردی که پیش روی او افراد خانواده‌اش سلاخی شده‌اند یا به آن‌ها تجاوز شده‌است؛ تصاویر این صحنه‌های ناگوار همواره در قوه خیال و حس متشکر او تکرار، بازبینی و لذا ادراک می‌شود و غم و اندوه شخص تجدید می‌گردد؛ در نتیجه افسردگی مالیخولیائی عارض می‌شود و تداوم می‌یابد.

[۵] بیماری صرع (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۷۸)؛ صرع نوعی بیماری است که مانع انجام برخی از افعال حسی و حرکتی، از قبیل ایستادن، می‌گردد؛ به دلیل تشنج که بر مغز عارض می‌شود، قوای حسی و حرکتی توان نفوذ و انجام برخی از افعال را ندارند (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۹۳). فاعل تمامی افعال انسانی نفس ناطقه است که افعال خود را به واسطه قوای مدرکه و محرکه انجام می‌دهد. در صورتی که شخص از انجام برخی از افعال ناتوان گردد، به دلیل بیماری یا ضعفی است که بر قوه مذکور عارض شده‌است. به بیان دیگر

رابطه نفس ناطقه با بدن دچار اختلال شده و به کاستی گرائیده است. چنین اختلالی ممکن است منجر به بیماری مالیخولیا نیز بگردد.

عوامل فوق‌الذکر را می‌توان ذیل عنوان اختلال در رابطه نفس ناطقه با بدن خلاصه نمود؛ زیرا که نفس ناطقه رابطه‌ای وثیق و منظم با بدن دارد. هر گاه به هر دلیلی این رابطه منظم از حالت اعتدال خارج گردد، منجر به اختلالاتی در وجود انسان می‌شود. یکی از این اختلالات افسردگی مالیخولیایی است.

### انواع بیماری افسردگی مالیخولیا

در نظر ابن‌سینا بیماری افسردگی مالیخولیا مانند هر مرضی روانی دیگری اصناف یا انواع مختلفی دارد که در این قسمت به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

[۱] تقسیم افسردگی مالیخولیا بانظریه حالات و مزاج‌های بدنی؛ همان‌طور که بیان‌گردید، وضعیّت بدن و قوای بدنی در نفس ناطقه و به تبع آن در ادراکات مؤثر اند. شکی نیست که بدن و قوای بدنی نیز در این امر تأثیر بسیاری دارند. ازسوی دیگر روح بخاری، واسطه میان نفس ناطقه و بدن، خود از مزاج پدیدمی‌آید. بانظریه غلبه مزاج سوداوی، دموی و... بر بدن، مالیخولیا نیز به انواعی تقسیم می‌گردد که آثار و نشانه‌های متفاوتی نیز برومی‌دهد و به انواع متفاوتی تقسیم‌بندی می‌گردد (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۰). بانظریه اینکه مزاج مسئله‌ای مربوط به طب قدیم است و طبق پزشکی جدید مبانی و بسیاری از مفروضات طب و طبیعیات قدیم منسوخ‌شده و بحثی فلسفی هم نیست، از پرداختن به این موارد خودداری می‌گردد. آنچه که مسلم است، تأثیر بدن و احوال جسمانی در پدیدآمدن این بیماری و شدت و ضعف آن است که بررسی و تحلیل آن مربوط به علوم طبیعی، مانند پزشکی یا روان‌پزشکی، است.

[۲] قطرب؛ قطرب نوعی افسردگی مالیخولیایی است که بیشتر در ماه دوم تابستان به‌وجودمی‌آید. شخص مبتلا به این بیماری از هر موجود زنده‌ای متنفر و گریزان است. به‌سوی گورستان و جایگاه مردگان می‌رود؛ سوءظن شدیدی نسبت به دیگران دارد؛ در طول روز خود را از چشم مردم پنهان می‌کند و شب‌ها پیدایش می‌شود؛ آرام و قرار ندارد و لذا بدون هدف خاصی دائماً در حرکت و پیاده‌روی است؛ همیشه اندوهناک است و به‌این دلیل از مردم گریزان است (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۵). بانظریه علائمی که

ابن سینا برای این نوع افسردگی مالخولیائی بیان می‌دارد، قطرب مرتبه شدیدی از افسردگی است و علائم آن خطرناک‌تر است. رفتن به سوی گورستان و احتمالاً تصور و تخیل دائمی افراد متوفی مؤید اختلال شدید ادراکی و منطبق نبودن با زمان حاضر و عالم محسوسات است.

«قطرب» معانی لغوی مختلفی دارد که یکی از آن‌ها به معنای حشره‌ای است که بدون مقصد خاصی دائماً روی آب حرکت می‌کند؛ دائماً در آب غوطه‌ور می‌شود و بالا می‌آید و هیچ‌گاه نمی‌آساید. دلیل نام‌گذاری این بیماری نیز شباهت حالات بیمار به این حشره است (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۵).<sup>۱</sup>

[۳] مانیا؛ اگر بیماری مالخولیا درمان نشود و بر وجود شخص مستولی گردد و بسیار شدت یابد، تبدیل به بیماری مانیا می‌گردد؛ بنابراین مانیا مرتبه شدیدی مالخولیا است که در آن علائم شرارت‌آمیزی از فرد بیمار بروز می‌کند (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۷۸). در این مرتبه از مالخولیا افکار ناصحیح شخص آنقدر شدت می‌یابد که به شخصی مجنون نسبتاً دائمی مبدل می‌شود و افعال وحشیانه‌ای انجام می‌دهد. این شخص مدتی طولانی در سکون و سکوت است؛ حتی بعد از شکستن سکوت ممکن است خود را شخصی عاقل و متفکر نشان‌دهد؛ ولی در باطنش دیوانه‌گری و وحشی‌گری است (ابن سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۷۵) که به زودی از او بروزمی‌نماید.<sup>۲</sup>

دلیل انجام افعال وحشیانه توسط شخص مبتلا به مانیا، شدت یافتن افکار ذهنی و صورت‌های خیالی است. دلیل طبقه‌بندی مانیا در مراتب مالخولیا و افسردگی آن است که این شخص مدتی در سکون و سکوت مطلق به سر می‌برد، ولی به یک‌باره افعال وحشیانه‌ای بروز می‌دهد. ممکن است بعد از اینکه پاره‌ای رفتار نادرست خشونت‌آمیز از خود بروز داد، به یک‌باره به سکون و سکوت مطلق فرورود. دلیل این امر افکار پریشان ذهنی و ادراک شدن صورت‌های خیالی متنوع، متکثر و مختلف توسط قوه خیال و حس مشترک است. مشخص

۱. در کتاب‌های لغوی معانی «دزد»، «گرس»، «جاهل»، «ترسو»، «سفیه» و... برای «قطرب» ذکر شده است (حسینی زبیدی،

۱۴۱۴، ج ۲، ص. ۳۳۲). به نظر می‌رسد که معنای طبی و فلسفی آن به «جاهل» یا «سفیه» نزدیک است.

۲. ابن سینا (بی‌تا) مانیا را «جنون سبعی» می‌نامد (ص. ۲۹۰).

است که مانیا خطرناک‌ترین نوع و مرتبه افسردگی مالیخولیائی است که ممکن است به آسیب‌زدن شدید به افراد و نزدیکان بیمار منجر گردد.

### درمان افسردگی مالیخولیا

بیان‌گردید که مالیخولیا نوعی بیماری است که از اختلال در رابطه نفس ناطقه و بدن پدیدمی‌آید؛ از این جهت راهکارهای درمانی ابن‌سینا در مورد این بیماری نفسانی به دو بخش طبی و فلسفی تقسیم می‌شود. تحلیل نقادانه راهکارهای درمانی طبی ابن‌سینا موضوع مقاله حاضر نیست و فقط به راهکار فلسفی پرداخته می‌شود. شایان توجه است که ابن‌سینا درمان مالیخولیا را در مراحل اولیه آسان می‌داند؛ ولی در صورتی که این بیماری پیشرفت‌نماید، درمان آن مشکل می‌گردد و ممکن است هیچ‌گاه درمان نشود و نهایتاً به مرگ فرد انجامد.

راهکارهای درمانی فلسفی ابن‌سینا در مورد بیماری مالیخولیا موارد ذیل است:

[۱] خواب (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۱)؛ بیداری حالتی است که در آن انسان قوای حسی و حرکتی خود را با اراده استعمال می‌نماید و به‌کار می‌گیرد. در مقابل خواب نبود این حالت است و به‌معنای به‌کارنگرفتن قوای حسی و حرکتی انسان است (ابن‌سینا، ۱۴۱۷، ص. ۲۵۰). به‌بیان‌دیگر در خواب قوای نفسانی از ظاهر بدن به باطن آن انصراف می‌یابند و افعال حسی و حرکتی را انجام نمی‌دهند (ابن‌رشد، بی‌تا، ص. ۷۰). بانظریه اینکه شخص مالیخولیائی خواب بسیار اندکی دارد که آن هم آرام و آسوده نیست، خوابیدن متعادل شخص بیمار به کاستن از تصورات ذهنی و لذا رهایی از آن‌ها بسیار کمک می‌کند. به‌بیان‌دیگر به‌دلیل استراحت قوای حسی، روح بخاری تقویت می‌گردد و لذا رابطه نفس ناطقه با بدن تقویت می‌شود. مضافاً اینکه شخص در این مدت غم و اندوهی را که تأثیر زیادی در ایجاد این بیماری و تداوم آن دارد، فراموش می‌کند و لذا دیگر به آن توجهی نخواهد داشت. چنین امری سبب تقویت جهات نفسانی و جسمانی شده و به درمان مالیخولیا کمک شایانی می‌نماید. همچنین خواب از حالات طبیعی است که لذت زیادی نیز دارد (ابن‌سینا، ۱۴۰۵، ج ۴، ص. ۱۰۰). چنین امری رابطه نفس ناطقه با بدن را تقویت می‌کند و لذا به فرد در بازگشت به حالت طبیعی کمک شایانی می‌نماید.

تأثیر خواب خوب با مدت معقول طبق مبانی فلسفی و حکمی ابن‌سینا بیان‌گردید. طبق دیدگاه ابن‌سینا اینکه چگونه فرد مبتلا به خواب‌رود و خواب راحتی داشته‌باشد با استفاده از

طبّ قدیم و راهکارهای درمانی آن حاصل می‌شود. طبق علم پزشکی و روان‌پزشکی جدید استفاده از برخی داروها یقیناً مفید خواهد بود.

[۲] شادمان نمودن بیمار (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۱)؛ بیان‌گردید که به‌جزء در موارد اندکی، حالاتی که بیمار مالیخولیائی دارد، غم و اندوه است. به‌این‌دلیل که تصورات و افکار ذهنی بر بیمار غلب است، ابن‌سینا جهت خارج‌نمودن فرد از این حلت و ایجاد تعادل در رابطه نفس ناطقه با بدن (تقویت روح بخاری) ایجاد شادی در فرد را توصیه می‌نماید؛ به‌این‌جهت اجتناب از تنهایی و خلوت‌گزیدن بسیار ضروری است و مهم‌ترین نکته در درمان نیز همین است (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۴). ابن‌سینا در این جهت برخی راهکارهای طبی، مانند فصدنمودن، خوردن غذاهای لذیذ و حمام‌کردن را پیشنهاد می‌دهد (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۵). برخی فعالیت‌های جسمانی مانند جماع نیز برای مبتلایان به این بیماری شادی‌آور و مفید است (ابن‌سینا، ۱۴۰۵، ج ۴، ص. ۱۸۲). با قطع‌نظر از راهکارهای طبّ سینوی در مورد امکان رهانمودن فرد از ناراحتی و شاد نمودن او، علم پزشکی و روان‌پزشکی جدید استفاده از برخی داروها و سایر شیوه‌های درمانی را تجویز می‌نمایند.

[۳] تنها نماندن و گوشه‌گیری نکردن (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۴)؛ انسان هنگامی که تنها می‌ماند، قوه خیال او شروع به تصورات و تخیلات در مورد امور مختلف و گاهی بی‌معنا و پوچ می‌نماید و در افکار خود غرق می‌گردد؛ به‌این‌جهت اگر بیمار تنها بماند، افکار تأثیر بیشتری بر او خواهد گذاشت و منجر به تشدید بیماری شخص می‌گردد. ابن‌سینا می‌گوید: «فإن نفس أعراضهم عن الفکره علاج لهم أصیل.» (ابن‌سینا، ۲۰۰۵، ج ۲، ص. ۲۸۴).

**بررسی روی کرد ابن‌سینا در مواجهه با مالیخولیا به‌عنوان یک اختلال روانی در پرتو نظریه روح بخاری**  
جامعیت ابن‌سینا در علوم مختلف باعث شده تا در مواجهه با موضوعات متفاوت روی‌کردی جامع و ذوابعاد داشته‌باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به نحوه مواجهه وی با بیماری‌ها یا به‌تعبیر امروزی «اختلالات روانی» اشاره کرد. ابن‌سینا (۱۴۰۴) به‌عنوان یک فیلسوف در جای خود ثابت‌کرده است که انسان ترکیبی از دو جوهر مجزا و مستقل است؛ یکی بدن جسمانی و دیگری نفس ناطقه که امری کاملاً مجرد و در مقام ذات، مُنحاز از بدن



است. از نظر ابن سینا این دو هرچند در مقام ذات از یکدیگر استقلال دارند، در مقام فعل به هم وابسته و با یکدیگر ارتباط دارند (ص. ۱۹۶ و ۲۰۷)؛ لذا وی در آثار خود در تفسیر بسیاری از حالات و صفات انسانی از جمله لذت، الم، سعادت، شقاوت به هر دو جنبه وجود انسان توجه داشته و حالات و صفات وی را نیز واجد هر دو جنبه دانسته است. این امر در طبابت وی نیز ساری و جاری است. وی در تبیین ریشه بسیاری از بیماری‌ها، به خصوص بیماری‌ها یا اختلالات روانی، هم به جنبه جسمانی و هم به جنبه نفسانی آن توجه داشته و از آنجاکه در شناخت هر دو جنبه نیز از سرامدان روزگار خود بوده، تبیین‌هایی که از بسیاری از بیماری‌های روانی، از جمله مالیخولیا، در آثار خود ارائه داده تا زمان وی کم نظیر بوده است.

ابن سینا (۱۳۸۳) در تبیین چگونگی ارتباط نفس با بدن، نظریه‌ای را مطرح می‌کند که ریشه در طب یونانی دارد: نظریه روح بخاری. وی روح بخاری را در آثار خود واسطی بین نفس و بدن می‌داند. از نظر وی روح بخاری حاصل بخاراتی است که از ترکیب اخلاط چهارگانه یعنی دم، صفرا، سودا و بلغم به وجود می‌آید (ص. ۶) که خود این اخلاط چهارگانه حاصل ترکیبات خاص عناصر چهارگانه یعنی آب، خاک، هوا و آتش اند (ابن سینا، ۱۳۸۳، ص. ۷). از نظر ابن سینا (۱۳۸۳) اعضاء بدن از ترکیب اخلاط به وجود می‌آیند. همچنین از این ترکیب بخاراتی نیز حاصل می‌شود که این بخارات منشأ شکل‌گیری روح بخاری است (ص. ۷).

لذا از دید ابن سینا (۱۳۸۳) هرچند روح بخاری حقیقتاً امری جسمانی است، جسمی لطیف‌تر از بدن و اعضاء آن است. به دلیل همین لطافت است که می‌تواند به عنوان واسط بین بدن و نفس تلقی شود. نحوه وساطت روح بخاری به این شکل است که به دلیل لطافت خود می‌تواند در تمام اندام و منافذ بدن جریان و سرریان پیدا کند و محملی برای قوای نفس باشد؛ به این صورت که عملکرد قوای نفس را به اندام‌های بدنی منتقل نماید. (ص. ۷) وی قلب را به عنوان جایگاه روح بخاری معرفی می‌نماید که از آنجا در تمام لندام بدن سرریان پیدا می‌کند.

به دلیل ماهیت واسطه‌ای روح بخاری و نقش آن در ارتباط بین بدن و نفس، هرگونه اختلال یا ضعف در روح بخاری باعث اختلال در عملکرد انسان به عنوان کلی متشکل از

نفس و بدن می‌شود. دقیقاً به همین دلیل است که ابن‌سینا بر نقش ضعف روح بخاری در شکل‌گیری بسیاری از بیماری‌ها و اختلالات روانی تکیه دارد. ضعف روح بخاری نیز ریشه در غلبه بیش از حد یکی از اخلاط و مزاج متناسب با آن دارد.

هرچند نظریه روح بخاری ریشه در طب قدیم دارد و شاید امروزه به‌عنوان نظریه‌ای مطروود از علم تلقی‌شود، اصل روی‌کرد دوجهی ابن‌سینا به بسیاری از بیماری‌ها و اختلالات روانی می‌تواند امروزه هم به آن توجه‌شود. این روی‌کرد دوجهی ریشه بسیاری از بیماری‌ها و اختلالات روانی را در ارتباط نفس و بدن جست‌وجومی‌کند و سعی می‌کند هم از منظری فلسفی و هم از منظری تجربی به ریشه بیماری‌ها توجه‌کند و نگاهی جامع نسبت به بیماری و نحوه مواجهه با آن ارائه‌دهد.

### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل افسردگی مالیخولیا از دیدگاه ابن‌سینا پرداخته‌شد و بیان‌گردید که تحلیل بیماری‌های روانی، به‌ویژه افسردگی مالیخولیائی، در فلسفه ابن‌سینا مبتنی بر برخی مبانی فلسفی است؛ مثل تجرد نفس ناطقه و نقش قوای ادراکی، مانند قوه خیال در ادراک و اجتماع صورت‌های علمی در حس مشترک و واسطه بودن روح بخاری میان نفس ناطقه و بدن مادی.

روی‌کرد ابن‌سینا در مواجهه با افسردگی مالیخولیایی روی‌کردی جامع است که هم ریشه در مبانی فلسفی وی و هم ریشه در مطالعات و شواهد تجربی دارد. این جامعیت به‌طور خاص در نظریه روح بخاری نمایان می‌شود. نظریه‌ای که سعی دارد تا حد ممکن تبیینی از چگونگی رابطه نفس با بدن ارائه‌دهد. این نظریه که ابن‌سینا از آن در مواجهه با بسیاری از اختلالات روانی استفاده می‌کند، نمایان‌گر روی‌کرد دوجهی و جامع ابن‌سینا با این قبیل اختلالات است.

از نظر ابن‌سینا غلبه مزاج سودائی در مغز باعث ضعف روح بخاری و انحراف آن از عملکرد اصلی خود به‌عنوان رابط بین نفس و بدن می‌شود. همین امر باعث انحراف افکار و صورت‌های علمی از مسیر صحیح است؛ به‌طوری‌که عدم امکان انطباق میان صورت‌های علمی با خارج افسردگی مالیخولیائی است؛ بنابراین اساس و منشأ این بیماری اختلال در کارکرد روح بخاری و در نتیجه عدم رابطه صحیح نفس با بدن مادی است.

هرچند نظریه روح بخاری امروزه جداً مورد تردید است، اصل روی کرد دوجبهی (فلسفی — تجربی) ابن سینا در مواجهه با اختلالات روانی می تواند امروزه هم به عنوان یک روی کرد جامع در مواجهه با بیماری ها و اختلالات روانی تلقی شود.

#### منابع

- ابن رشد، محمد بن احمد (بی تا). شرح ابن رشد لأرجوزه ابن سینا. قطر: جامعه قطر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). النجاه من العرق فی بحار الضلال (محمد تقی دانش پژوه، تصحیح). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳). پنج رساله (احسان یارشاطر، تصحیح) همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۰). رسائل. قم: انتشارات بیدار.
- ابن سینا (۱۴۰۴). الطبيعيات من كتاب الشفاء (سعید زاید، به تحقیق). قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۵). المنطق من كتاب الشفاء. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۱۷). النفس من كتاب الشفاء (حسن زاده آملی، به تصحیح) قم: مکتب الأعلام الإسلام.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۴۷). التعليقات علی حواشی النفس لأرسطاطالیس (عبدالرحمن بدوی، ویراستار). قاهره: دارالنهضة.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۵۳). رسائل (حلمی ضیاء اولکن، به تصحیح). استانبول: دانشکده ادبیات استانبول. (کتابی مجزا از آنچه پیش تر به همین نام آمده است).
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۵). القانون فی الطب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۷). رساله فی النفس و بقاءها و معادها، (فواد الالهوانی، به تصحیح) بیروت: دار بیلین.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (بی تا). رساله فی الادویه القلبیه. بی جا.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳). رگ شناسی (رساله در نبض) (سید محمد مشکوه، با مقدمه و حواشی و به تصحیح). همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- اخوینی بخاری، ربیع بن احمد (۱۳۷۱). هدایه المتعلمین فی الطب (جلال متینی، به تصحیح). مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- حسینی زبیدی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- صلیبا، جمیل (۱۴۱۴). فرهنگ اصطلاحات. بیروت: الشرکه العالمیه للکتب.
- Taylor M. A. and Fink M. (2006). *Melancholia: The Diagnosis, Pathophysiology and Treatment of Depressive Illness*. Cambridge: Cambridge University Press.